

استعمار، استعمارگری، استعمارزدایی...



■ مهرا ن توکلی  
■ نشر نی  
■ ۱۰۴ صفحه

کتاب نگاهی چندبعدی به موضوع استعمار دارد و می‌کوشد انگیزه، شیوه و کاربست این امر را در وجوه گوناگون مورد واکاوی قرار دهد. نویسنده نخست به سراغ ریشه‌یابی تاریخی موضوع رفته و می‌نویسد: «مردمانی که در دیار خود، آزارهای گوناگون دینی، سیاسی و اجتماعی می‌دیدند یا در تنگ‌دستی به‌سر می‌بردند و به مناطق دیگر کوچ می‌کردند و در این مناطق به کشاورزی روی می‌آوردند. این کوچ‌گران را اروپاییان «کولون» نامیده‌اند که واژه‌ی کولونی مستعمره از آن برآمده است.»

### عصر استعمارگری



■ دان ناردو  
■ ترجمه مهدی  
■ حقیقت‌خواه  
■ انتشارات ققنوس  
■ ۱۲۰ صفحه  
■ ۲۵ هزار تومان

تاریخ طولانی استعمار و تأثیر دیرپایی که بر سرزمین‌های تحت سلطه و مردمان آن داشت. روندی که قرار بود آبادانی باشد اما در نهایت به غارت ثروت‌های ملی سرزمین‌های مستعمره، دستکاری فرهنگی بومی و گاه حتی نسل‌کشی منجر شد. به باور نویسنده این اثر محدوده زمانی اثر مدرن استعمار از اواخر سده پانزدهم تا میانه سده بیستم را شامل می‌شود. کتاب عصر استعمار را از برآمدن آن آغاز می‌کند و...

### شناخت استعمار



■ مصطفی اسکندری  
■ مرکز بین‌المللی  
■ ترجمه و نشر  
■ المصطفی (ص)  
■ ۲۴۸ صفحه  
■ ۵۶ هزار تومان

شناخت استعمار، پشت‌پرده‌های آن، اهداف پنهانی که هرگز بیان نشدند، مسئله‌ای است که نویسنده تلاش دارد برای خواننده این اثر بازگو کند. موضوعاتی که در عمل دولت‌های ملی را سرنگون و فلج کردند، مجموعه‌ای از مهارت‌ها و آموزش‌ها را در اختیار مردمان مستعمره قرار می‌داد که فرودستی آنان را بازتولید می‌کرد و آنان را به سرنوشت خویش راضی نگاه می‌داشت...

## ضد استعمار و کودتاجی

کتاب میراث‌خوار استعمار و نویسنده آن را بشناسیم

### سمیه اسدیان

گزارش‌گر کتاب

نگارش اثری در دهه چهل در مورد سیاست‌های امپریالیستی آمریکا قاعدتا این تصور را پدید می‌آورد که از قلم یک نویسنده چپ می‌تواند عرضه شود اما کتاب «میراث‌خوار استعمار» تا حدودی زمینه‌های نگارش پیچیده‌ای دارد. اگر چه نویسنده از چپ‌اندیشان ایران دور نبوده اما بسیاری او را وابسته به دربار نیز قلمداد کرده‌اند.

«محسن باقرزاده» مدیر انتشارات توس در مصاحبه‌ای درباره انتشار این کتاب و حساسیت‌هایی که از سوی ساواک در این رابطه برانگیخته شده بود، می‌گوید: «بازی عجیبی سر این دو کتاب [فراماسونری در ایران نوشته اسماعیل رابین و میراث‌خوار استعمار] جریان داشت. مأموران ساواک در لباس‌های مبدل می‌آمدند دنبال این کتاب و به عنوان مشتری کتاب آنها را می‌گرفتند. آقای کاشی چی به چند مأمور ساواک کتاب فروخته بود. بعد از چند روز آمده بودند سراغش و گفته بودند پول ساواک را کسی نمی‌تواند بخورد. آقای کاشی چی هم چک می‌کشید و پول کتاب‌ها را می‌داد. کتاب را هم پس نمی‌دادند، به عنوان مدرک جرم نگاه می‌داشتند، پولش را پس می‌گرفتند.» با این حال در یکی دیگر از اسناد ساواک آمده است که شاه درباره این کتاب گفته بود: «اینکه ضدآمریکایی است، خوب باشد و خندیده بودند...» از آن جا که نویسنده هیچ‌گاه برای نوشتن این اثر دچار دردسر جدی نشده بود و بعدها نیز با محافل دربار رفت و آمد داشت، بنابراین شاید سرگذشت نویسنده نیز به اندازه اثر جذاب باشد.

### نویسنده مرموز

مردی که در دهه چهل کتابی در نقد استعمار می‌نویسد و بعدها با دستگاه‌های اطلاعاتی خارجی در تماس است. نویسنده‌ای که گویی رسالتش نوشتن همین یک اثر برای پرده‌برداری از آن چه امپریالیسم آمریکا می‌خواند، بوده است. مهدی بهار، زاده ۱۳۲۹. ش در

مشهد است. پدرش محمدجواد بهار از مشروطه‌خواهان شناخته‌شده این شهر بود که در چندین نوبت نیز به نمایندگی از مشهد در مجلس شورای ملی حضور پیدا کرد. بهار تحصیلات ابتدایی را در همان شهر گذراند و سپس برای تحصیل در رشته پزشکی راهی فرانسه شد. جایی که با نیروهای چپ و اعضای اصلی حزب توده مانند ایرج میرزا اسکندری و فریدون کشاورز رفت‌وآمد پیدا کرد. این ارتباط ریشه‌های تفکر ضدامپریالیستی را در وجود او تقویت کرد. وی مدتی معاون بیمارستان کودکان ژنو شد اما یک سال پیش از کودتای ۱۳۳۲ به ایران بازگشت و در مقطع پیش از کودتا به عنوان پزشک در حزب توده فعالیت داشت. او در این مقطع یک روشنفکر منتقد حکومت پهلوی به نظر می‌رسید اما به نظر می‌رسد هواداران مصدق و جبهه ملی از او برداشت دیگری داشتند و او را هوادار شاه و عضو سازمان امنیت می‌دانستند و کتابش را با اهداف خاص شاه در آن مقطع هماهنگ می‌دیدند. شاید هم این تصویر دوری از او نبود. در یکی از اسناد ساواک در مورد مهدی بهار آمده است: «مشارالیه باطناً دارای احساسات شاه‌دوستی و میهن‌پرستی می‌باشد، لیکن به سبب اینکه تا به حال مورد توجه مقامات مملکتی قرار نگرفته، در انزوا به‌سر می‌برد و بدینوسیله زمینه‌های بدبینی به وضع موجود پیدا کرده است. چنانچه به نحو مقتضی به وسیله یکی از مقامات مؤثر اداری و یا دولتی با وی تماس و ضمن مذاکرات لازم از او تحبیب و نسبت به تحریک و تقویت بیشتر حس شاهدهوستی مشارالیه اقدام گردد، از وجودش می‌توان در آینده به نفع هدف‌های ملی و میهنی استفاده و ارتباطش را با عناصر مخالف قطع کرد.» نکته جالب توجه و تقریباً واپسین اطلاعات موجود از سرنوشت وی، مشارکتش در کودتای نوزدهم پس از انقلاب و فرار از کشور متعاقب شکست این کودتا است.

### میراث‌خوار

ایالات متحده آمریکا از آن جا که دیرتر به عرصه سیاست بین‌الملل پا گذاشته بود، سهم چندانی برای برداشت از خوان

استعمار نمی‌برد و به همین علت به نظر می‌رسید که از مدافعین سیاست‌های ضداستعماری باشد. بیهوده نبود که سیاست آمریکا در بسیاری از کشورهای مستعمره تقویت احساسات ملی‌گرایانه و ضداستعماری بود تا در خروج فیزیکی کشورهای استعمارگر بتواند امپریالیسم مالی خود را بدون نیاز به لشکرکشی جایگزین کند. برای آمریکایی‌ها که تلاش داشتند سیاست «تجارت آزاد» و «درهای باز» را به لحاظ مالی دنبال کنند، حصارهای استعماری کشورهای اروپایی مانع جدی بود. به این ترتیب رفتار این کشور در حمایت از مستعمرات بسیاری از کشورهای جهان توسعه‌نیافته را در این خیال فروربرد که آمریکا همان ناجی است که از بیم رقابت‌های استعماری باید به آن پناهنده شوند. سیاست «نیروی سوم» در برابر شوروی و انگلستان در ایران نیز تابع همین خیال خام بود و این اعتماد بر سربانی بنا شده بود که ملت‌ها پیش از گذشته بهای آن را پرداخت کردند.

با این حال آمریکا موفق شد تقریباً در همه جا امپریالیسم مالی را جایگزین امپریالیسم استعماری کند و سلطه اقتصادی پایداری را نه تنها در کشورهای مستعمره بلکه در بسیاری از کشورهای دیگری که حتی پیش‌تر گرفتار مسائل مربوط به استعمار نبودند، ایجاد کند. حتی خود اقتصادهای اروپایی از اقتصاد نیرومندی ایالات متحده مصون نماند. گسترش صادرات آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم، دولت‌های اروپایی را دچار مشکل پرداخت‌ها کرد. این دولت‌ها دیگر قادر نبودند در برابر صادرات عظیم آمریکا دلار پرداخت کنند و در سوی دیگر آمریکا به محصولات اروپا نیازی نداشت. بنابراین تجارت با دلار به مشکل برخورد و آمریکا در جست‌وجوی شرایطی برای خروج از این وضعیت سیاست‌های اصل چهار ترومن و طرح مارشال را در پیش گرفت تا از طریق اعطای وام حتی وام‌های بلاعوض و گاه بلندمدت این مشکل را مرتفع کند. شرکت‌های اروپایی سهام‌های خود را به آمریکا واگذار می‌کردند و این وضعیت عملاً اروپا را دنباله‌روی آمریکا می‌کرد. چنین سیاستی استعمارگران سابق را نیز دست‌بسته کرده بود و این شرایط